

مجتهدزاده در نامه‌ای به بان کی‌مون:

مدعیان جزایر سه‌گانه ایران میراث‌خوار ایده نژادپرستانه صدام هستند



۱۹/۰۶/۱۳۸۷

دکتر پیروز مجتهدزاده، استاد دانشگاه تربیت مدرس و مدیرعامل بنیاد پژوهشی یوروسویک لندن در نامه‌ای به بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل متحد با انتقاد از اقدامات امارات متحده عربی در قبال جزایر سه‌گانه ایرانی تصریح کرده است: هنگام آن فرا رسیده است که به عنوان عضو رسمی سازمان ملل متحد، وظایف امارات متحده عربی در قبال صلح و ثبات منطقه و جهان به ابوظبی رسانده شود تا طرح ادعاهای غیر قانونی نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را ترک کرده و به اقدامات تجاوز کارانه علیه ایران، منافع ملی ایران، و تمامیت سرزمینی کشور ما پایان دهد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، متن نامه کامل مجتهدزاده به بان کی‌مون به شرح زیر است:

« عالیجناب

به عنوان یک دانشگاهی با بیش از ۴۰ سال تجربه در مطالعات امور جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و حقوقی خلیج فارس، تماشای ادامه توطئه علیه ایران و یکپارچگی سرزمینی و حقوق طبیعی‌اش در خلیج فارس و صدمات ناشی از آن علیه صلح و امنیت منطقه، بدون اعلام نگرانی مردم ایران و دیگر مردم صلح‌دوست منطقه نسبت به این توطئه‌ها را کار آسانی نمی‌بینم. این نگرانی‌ها از اقدامات نژادپرستانه علیه هویت تاریخی، وقار ملی، و تمامیت سرزمینی ایران ناشی می‌شود که در راستای میراث ضد ایرانی برجای مانده از حزب بعث پیشین عراق ادامه می‌یابد و آل نهیان ابوظبی همگام با برادرانش در قطر گویی تعدد دارند عصاره این میراث پلید را، به بهای نابود کردن صلح و امنیت، بر منطقه چیره سازند؛ مانند صدام حسین، آنان استان ایرانی خوزستان را یک سرزمین عربی فرض کرده و سرپرستی گروه تروریستی الاهواز اختراع شده از طرف او را به عهده گرفته‌اند؛ مانند صدام حسین، آنان بسیاری از جزایر ایرانی، از جمله جزایر تنب و ابوموسی را سرزمین‌های عربی فرض می‌کنند که توسط ایران "اشغال" شده‌اند؛ از صدام حسین، آنان ایده نژادپرستانه دگرگون کردن نام‌های تاریخی اماکن جغرافیایی در درون و اطراف خلیج فارس را به ارث برده‌اند، و مانند صدام حسین، آنان در دسیسه‌ای با برخی دیگر از عربان می‌کوشند این شرارت‌ها را به صورت "آرمان ملی" در سطح خاورمیانه علیه ایران و حقوق سرزمینی مشروع و قانونی در خلیج فارس در آورند. برای توفیق در این راستا، آنان حتی به تزویر وانمود کردن "دوستی" با برخی مقامات ایرانی متوسل شده، آنان را به اجتماعات تمام عربی کشانده و در اعلامیه‌های انتهایی به ایران و حقوقش در خلیج فارس اهانت می‌ورزند.

تنها چند ماه پیش بود که آل نهیان ابوظبی اجلاس ۱۷ مارس ۲۰۰۸ وزیران امور خارجه اتحادیه عرب را وادار کرد، در اقدامی کاملاً بی‌ربط، در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد اتهام به خطر افتادن امنیت کنونی خلیج فارس در نتیجه بازگشت قانونمند جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به ایران در ۳۷ سال پیش را مطرح کند. نامه مورخ ۳۰ مارس ۲۰۰۸ که خطاب به آن عالیجناب نوشته شد شامل یک سلسله حقایق مستند بود برای بر ملا کردن طبیعت دروغین داستانی که اتحادیه عرب در نامه یاد شده به شورای امنیت سازمان ملل سرهم کرده بود. حتی در آن نامه اتحادیه عرب وسوسه شد تا با وجود وضعیت رسماً اعلام شده سازمان ملل متحد در رابطه با نام تاریخی خلیج فارس، از اصطلاح نژادپرستانه خلیج عربی استفاده کند.

عالیجناب،

پس از بر ملا کردن طبیعت بی‌ربط مکاتبه مورخ ۱۷ مارس ۲۰۰۸ اتحادیه عرب به شورای امنیت سازمان ملل متحد که ناشی از مشورت‌های ناشی از گمراهی بود، اکنون به آگاهی عالی می‌رسانم که آن‌تریک‌های امارات متحده شکل تازه‌ای به خود گرفته است. این بار ابوظبی شکایتی را به تاریخ ۲۹ اوت ۲۰۰۸ در سطح سازمان ملل متحد مطرح کرده است بر اساس این

اتهام که ایران تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ امضاء شده میان خود و شارجه را مورد "نقض شدید" قرار داده است، بی آن که، مانند همیشه، برای ارائه اسناد و شواهد لازم جهت اثبات اتهامات بی‌اساسش تلاشی کند. انتشار این گونه شکایت‌نامه‌های غیر واقعی یک بار دیگر ثابت می‌کند که اشتهای آل نهیان در زمینه بهانه قرار دادن هر موضوع پیش پا افتاده‌ای به منظور اختراع دعوی سرزمینی با ایران، آن گونه که عرب را، به بهای نابود کردن ثبات در دنیای اسلام، علیه ایران بشوراند، پایان‌ناپذیر است.

شاید منطقی باشد که از آل نهیان ابوظبی دعوت شود مواد ۱ و ۲ تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ بریتانیا - ایران - شارجه را مطالعه کند تا دریابد که این سند با عباراتی کاملاً قاطع می‌گوید:

ماده ۱. نیروهای نظامی ایران وارد ابوموسی شده و موضعی را در اختیار خواهند گرفت که گستره جغرافیایی آن روی نقشه ضمیمه این تفاهم‌نامه تعیین و مورد توافق قرار گرفته است.

ماده ۲. الف - در داخل مناطق مورد توافق که در کنترل نیروهای ایرانی است، ایران از حق حاکمیت کامل برخوردار بوده و پرچم ایران در اهتزاز خواهد بود.

ب - شارجه در باقیمانده جزیره حق صلاحیت کامل دارد. پرچم شارجه در اهتزاز بودن بر فراز قرارگاه پلیس شارجه را بر اساس همان زمینه (حقوقی) ادامه خواهد داد که پرچم ایران بر فراز قرارگاه نظامی ایران در اهتزاز است.

شاید ابوظبی نیازمند آن است که مفهوم عملی اصطلاح "حاکمیت کامل" ایران بر مناطق تحت کنترلش در جزیره ابوموسی را مورد توجه قرار داده و به یاد آورد که ارائه تحریف در مفهوم عملی این عبارات کاملاً روشن و قاطع چیزی جز تلاش برای اختراع کشمکش‌های سرزمینی نخواهد بود که می‌تواند صلح و ثبات منطقه را واژگون کند.

شاید ابوظبی نیازمند یادآوری است که شریک ایران در تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ امیر نشین شارجه است و والا حضرت امیر شارجه در اجلاس فوق‌العاده شورای عالی اتحادیه مورخ ۱۲ ماه مه ۱۹۹۲ از تفویض اختیار امارت خود در مسائل مربوط به ابوموسی به رهبران آل نهیان امارات متحده عربی خودداری ورزیده و آن جلسه را ترک کرد. به این ترتیب، اقدام رهبران امارات متحده عربی در فرض به دست آوردن اختیارات قانونی در مورد امور جزیره ابوموسی در غیاب امیر شارجه و بدون رضایت وی، هر گونه تظاهر یا اقدامی از سوی رهبران امارات متحده عربی در رابطه با ابوموسی و تفاهم‌نامه مربوطه را کاملاً غیر قانونی می‌کند.

شاید ارزش یادآوری داشته باشد که رهبران امارات متحده عربی در تلاش خود برای آشوب کردن صلح و ثبات منطقه از راه بهانه قرار دادن هر موضوع پیش پا افتاده‌ای در جزیره ابوموسی، اغلب با قطر و قدرت‌های فرامنطقه‌یی مانند آمریکا و اسرائیل که آشکارا جنگ علیه ایران را تشویق کرده‌اند، دست در توطئه علیه ایران دارند. برای مثال، ابوظبی در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۴ مرتکب حمله‌ای مسلحانه علیه یک قایق ایرانی در آب‌های سرزمینی ایران در اطراف ابوموسی شد و در توطئه‌ای با قطر، آن شیخ‌نشین را وادار کرد تا در فاصله‌ای کمتر از یک هفته مرتکب تجاوز مسلحانه علیه افراد ایرانی در همان منطقه شود. این تجاوزهای مسلحانه شرارت‌ورزی‌هایی بود در راستای بروز یک سلسله واکنش‌های خشن که بتواند صلح و ثبات را در منطقه واژگون کند که در نتیجه سال‌ها تلاش ایرانی - عربی برای ایجاد موازنه‌های ضروری قدرت در منطقه، به دست آمده است. اگرچه وزارت امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران، شاید در گزارش مستند این ماجراجویی‌ها به سازمان ملل متحد کوتاهی ورزید، ابوظبی به نظر می‌رسد که به این نتیجه گمراه رسیده است که نقض مکرر تفاهم‌نامه ۱۹۷۱ و شرارت‌های مسلحانه غیرقابل اغماض برای همیشه از سوی مردم صلح دوست منطقه تحمل خواهد شد.

عالیجناب،

شاید هنگام آن فرا رسیده است که به عنوان عضو رسمی سازمان ملل متحد، وظایف امارات متحده عربی در قبال صلح و ثبات منطقه و جهان به توجه ابوظبی رسانده شود تا طرح ادعاهای غیرقانونی نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را ترک کرده و به اقدامات تجاوز کارانه علیه ایران، منافع ملی ایران، و تمامیت سرزمینی کشور ما پایان دهد.

ارادتمند صدیق شما

پیروز مجتهدزاده»